



مراقبت از زبان با فلفل قرمز

گفت‌وگو با زهرا رئیسی
فعال حوزه زبان و ادب فارسی

دوست ندارد به او بگویم پلیس زبان، بیشتر خودش را مراقبی برای زبان فارسی می‌داند؛ مراقبی که خیلی با آزمون و خطا و تجربی وارد مسیر فرهنگ‌سازی شده و اول از اطرافیان خودش شروع کرده است.

چطور به فکر مراقبت از زبان فارسی

آن‌هم در فضای مجازی افتادید؟

خب، اولین جرقه از صحبت‌های آقا شروع شد؛ اینکه ایشان در سخنرانی‌های رسمی با جمع‌های متفاوت به استاد و دانشجو تأکید می‌کردند که از زبان فارسی پاسداری کنید. این شد که ما دست‌به‌کار شدیم. اول هم از گفت‌وگوهای روزمره در جمع‌های دوستانه‌مان شروع شد و کم‌کم وارد فضای مجازی هم شدیم.

بیشتر درباره شکل کارت‌ان و شیوه

قانون‌گذاری‌تان توضیح می‌دهید؟

در ابتدا همه چیز در گروه‌های دوستی و جمع‌هایمان شکل غیررسمی و سرگرمی داشت و کم‌کم وارد یک مسیر جدی شد؛ مثلاً، اول یک علامتی را برای هشدار خودمان انتخاب کردیم، یک‌جور اسم رمز. **علامتمان فلفل قرمز بود و یک‌جوری هشدار می‌داد** بهمان که کلمه غیرفارسی انتخاب نکنیم و در مکالمات روزمره‌مان فارسی حرف بزنیم. بعد این هشدارها هم کم‌کم وارد گروه‌های تخصصی‌تری شد که عضوشان بودیم.

شما در محافل دوستانه و دیدارهای روزمره هم

این قوانین را رعایت می‌کردید یا صرفاً در

فضای مجازی به این موضوع می‌پرداختید؟

چون تمرکز ما روی این موضوع بود، خب طبیعی است که در جمع‌های دوستانه هم با این برچسب شناخته می‌شدیم و من و چند نفری که با هم در این حوزه فعالیت می‌کردیم اگر به‌جایی وارد می‌شدیم یا در جمعی حضور داشتیم، انگار دیگران بیشتر مراقبت می‌کردند. نه اینکه بترسند، اما حضور ما برایشان باعث تذکر و هشدار بود.

شما یک‌جورهایی پلیس زبان فارسی هستید.

این کار باعث نشد در مسیرتان با واکنش‌های

مخالف یا مشکلاتی روبه‌رو شوید؟

کم‌کم که کارمان گسترش پیدا کرد، متوجه شدیم که ممکن است رعایت این قوانین برای برخی سخت باشد یا اینکه برخی افراد که حساس‌تر هستند، خیلی نپسندند که به این شکل تذکر بشنوند. برای همین تصمیم گرفتیم از تذکر مستقیم اجتناب کنیم و از شیوه‌های غیرمستقیم کمک بگیریم؛ مثلاً، در کانال گسترش زبان فارسی شروع به تولید محتوا کردیم.

اول جمله‌های آقا را نوشتیم، بعد معادل‌های فارسی کلماتی که ما در زبان روزمره ازشان استفاده می‌کنیم و فارسی نیستند، کم‌کم در کانال قرار دادیم و گفتیم بالاخره افراد به این‌ها توجه می‌کنند و این فرهنگ به‌مرور شکل می‌گیرد.

برای نوجوان‌هایی که بخواهند مشابه

مسیر شما بروند، پیشنهادی دارید؟

به نظر من نوجوان امروز به‌خاطر اینکه می‌خواهد خودش را به‌روز نگه دارد یا باحال حرف بزند، از بعضی واژه‌های خارجی استفاده می‌کند. معمولاً ما توجه نوجوان‌ها را به این موضوع جلب می‌کنیم که باید داشته‌هایمان را فریاد بزنیم و سعی کنیم همان‌طور که انگلیسی‌زبان‌ها این‌قدر روی رواج زبان‌شان‌کار کردند ما هم روی این داشته ارزش‌مندان، یعنی زبان فارسی، تعصب داشته باشیم و در حفظ و ترویج آن کوشا باشیم.

این موضوع تعصب ملی و غیرت‌داستن روی داشته‌های ملی بین نوجوان‌ها خیلی اهمیت دارد و اینجاست که می‌توان از آن کمک گرفت.



گفتید کارتان را خیلی خودجوش و تجربی آغاز کردید

آیا در مسیر به نقطه‌ای رسیدید که بگویید نه

این راهش نیست و باید از راه دیگری رفت؟

در این مسیر مخاطب و همراهی با او خیلی اهمیت دارد؛ اینکه هم به او برنخورد و نرنجد و بعد آن قدر این تجربه برایش خوشایند باشد که با شما همراه شود. باید ظرفیت مخاطب را در نظر گرفت و بدون مقدمه و چکشی نباید وارد شد. لازم است که پیش‌زمینه ذهنی برای مخاطب فراهم کنیم و وقتی ذهنش آماده شد و اگر حرف‌ها و استدلال‌های ما درست باشد کم‌کم همراه می‌شود.

